

نگرانی از تغییر اقلیم و همکاری ناگزیر بین‌المللی

شیما عرب اسدی*

چکیده

تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از بحران‌های زیست‌محیطی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم زندگی بشر در سراسر کره زمین را دستخوش تهدید و آسیب کرده است. ابراز نگرانی فزاینده در خصوص پیامدها و مخاطرات ناشی از چنین بحران‌هایی، سبب شده است تا در حقوق بین‌الملل محیط زیست بر لزوم اقدام هماهنگ، مشارکت و هم‌فکری کلیه بازیگران بین‌المللی جهت چیرگی بر چنین مشکلاتی تأکید شود. مفاهیم و دکترین‌های نوپای حقوقی هر یک به‌نوبه خود کوشیده‌اند تا در راه صیانت جهانی از محیط زیست نقش‌آفرینی کنند. در این نوشتار، به یاری رویکردی نوین به اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست و نحوه تعامل میان آنها در لوای مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»؛ تکالیف جامعه بین‌المللی در قبال تعهدات ارگامنس و هم‌چنین نقش و تعهدات دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی جهت رویارویی با نگرانی‌های مشترک زیست‌محیطی از نظر خواهد گذشت.

کلیدواژگان

تعهدات ارگامنس، منافع مشترک جامعه بین‌المللی، محیط زیست جهانی، نگرانی‌های مشترک بشری، همکاری‌های بین‌المللی.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: sh.arabasadi@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

مقدمه

امروزه مسائل مشترک زیست‌محیطی در سراسر کره زمین نمود روزافزون یافته‌اند؛ افزایش دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، خطر غرق شدن دولت‌های جزیره‌ای کوچک (رنجبریان و ارغنده‌پور، ۱۳۹۱: ۸۵)، رو به نابودی بودن بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن بر اثر فعالیت‌های صنعتی و انسانی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها و ریزش باران‌های اسیدی از این دست مشکلات هستند. دولت‌ها با هدف چیرگی بر این‌گونه مشکلات جهانی ناگزیر از مشارکت و هم‌فکری با یکدیگرند، چراکه «کل زیست‌کره ارزش بنیادین بشری، و حفظ و نگهداری از آن نگرانی مشترک بشری محسوب می‌شود» (Kiss, 2003: 4). بر همین اساس، در حقوق بین‌الملل محیط زیست، بر لزوم نظرداشت منافع جامعه بین‌المللی و اقدام هماهنگ میان تمامی بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه دولت‌ها، تأکید می‌شود.

در نخستین تکاپوی جامعه بین‌المللی برای مواجهه حقوقی با پدیده تغییر اقلیم و در روند مذاکرات مربوط به آثار گازهای گلخانه‌ای، این پدیده و آثار آن به «نگرانی‌های مشترک بشری»^۱ تعبیر شدند.^۲ مقدمه کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص تغییر اقلیم^۳ چنین تعبیری را رسماً تأیید کرد.^۴ اخیراً نیز این مفهوم در مقدمه موافقت‌نامه مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ پاریس ناظر بر موضوع تغییر اقلیم مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است.^۵ مفهوم یادشده به ایجاد نظام حقوقی، که قواعد آن تکالیفی را بر دوش جامعه بین‌المللی در کل و هم‌چنین بر دوش تک‌تک اعضای این جامعه می‌گذارد، انجامیده است. به این ترتیب، بار مسئولیت در حفاظت از محیط زیست عادلانه توزیع خواهد شد.

1. Common Concerns Of Humanity

2. UN Doc A/Res/43/53 (1988).

3. *United Nations Framework Convention on Climate Change*, 9 May 1992, 31 I.L.M. 849, 851.

۴. طرح مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری» راهی برای رویارویی با مشکلات زیست‌محیطی جهانی و هم‌چنین پاسخ‌گویی به اختلافات برخاسته از مفهوم «میراث مشترک بشریت» میان دولت‌ها بود. این مفهوم پس از ظهور، از زمینه‌های اصلی خود همچون تنوع زیستی و تغییر اقلیم، فراتر رفت و مصداق‌های دیگری از این‌گونه نگرانی‌های مشترک مطرح شدند. به تعبیری، نگرانی‌های مشترک بشری آن دسته مسائل زیست‌محیطی‌اند که قلمرو و مرزهای یک کشور را دربر می‌گیرد و نیازمند اقدام مشترک دولت‌ها هستند؛ هیچ دولتی به‌تنهایی قادر نیست مشکلات برآمده از آن را حل کند و هیچ دولتی نیز به‌تنهایی از منافع برخاسته از آن منتفع نمی‌شود. این نگرانی‌ها متعلق به جامعه بین‌المللی در کل است و اعضای این جامعه نیز نه‌تنها دولت‌ها، بلکه سازمان‌های بین‌الدولی، غیردولتی، شرکت‌ها و افراد هستند. با این حال، تعریف مشخص و هم‌چنین عزم قاطعی در خصوص دلالت حقوقی نگرانی‌های مشترک بشری در حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود ندارد.

5. *Paris Agreement*, twenty-first session of the Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, C.N.63.2016.TREATIES-XXVII.7.d, (12 December 2015).

در حال حاضر، موضوعاتی مانند تغییر اقلیم، گونه‌های گیاهی و جانوری در خطر انقراض و حفاظت از تنوع زیستی جزء این دسته از نگرانی‌ها قرار دارند؛ اما اگر انسان‌ها به تهدید و تخریب محیط زیست پایان ندهند، مصادیق این نگرانی‌های مشترک به افزایش خود ادامه خواهند داد.

از آنجا که کشورها بنابر ظرفیت‌های اقتصادی، سطح توسعه‌یافتگی و هم‌چنین میزان فعالیت‌های صنعتی و زیان‌بار خویش در خصوص پدیده تغییر اقلیم، تکالیف و مسئولیت‌هایی دارند و این مسئولیت‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه قواعد اولیه و ثانویه حقوقی ظهور و بروز می‌یابند، در این نوشتار با هدف اتخاذ رویکردی مشترک و هم‌کارانه برای رویارویی با پدیده تغییر اقلیم، ضمن بازتعریفی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست و نحوه تعامل میان آنها، به چندوچون تحقق و ارزیابی آثار مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در پهنه حقوق بین‌الملل محیط زیست و مسئولیت دولت‌ها در قبال این اصل حقوقی هدایتگر^۱ خواهیم پرداخت.

الف) تحقق مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در قواعد، اصول و ظرفیت‌های موجود حقوق بین‌الملل در قبال تغییر اقلیم

عنوان نگرانی‌های مشترک بشری که در حقوق بین‌الملل محیط زیست ابتدا بر پدیده تغییر اقلیم اطلاق شده (و سپس به سایر حوزه‌های زیست‌محیطی نیز تسری یافته است)، با رخنه در اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست و قواعد ارگامنس جامعه بین‌المللی، معادلات حقوقی بین‌المللی را به سود صیانت از محیط زیست و کنترل فعالیت‌های انسانی زیان‌بار تغییر می‌دهد. این مفهوم هم‌چنین در قالب ظرفیت‌های پیش‌روی حقوق بین‌الملل از جمله ایفای نقش بازیگران غیردولتی و نهادسازی بین‌المللی تجسم و عینیت می‌یابد.

۱. تبلور مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست
نگرانی‌های مشترک بشری می‌توانند بر عملکرد برخی از اصول حقوقی حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست تأثیرگذار باشند.^۲ ماده ۳ پیش‌نویس میثاق بین‌المللی محیط زیست و توسعه

۱. این مفهوم به‌رغم حساسیت‌های موجود، هنوز به قاعده حقوق بین‌الملل عمومی که واضع آثار حقوقی به‌صورت حق و تکلیف باشد، تبدیل نشده و بیشتر در حد یک اصل کلی حقوقی راهنما یا هدایت‌گر باقی مانده است. اصول کلی هدایتگر نقش برجسته‌ای در تعیین محتوای قواعد حقوقی دارند و کار اصلی آنها هدایت وضع‌کنندگان قواعد بین‌المللی در انعقاد توافق‌های بین‌المللی است.

۲. برای مطالعه در خصوص اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست و تأثیر رویه قضایی بین‌المللی در شناسایی این

«محیط زیست جهانی را نگرانی مشترک بشری برشمرده است که تمامی عناصر و فرایندهای مبتنی بر آن باید توسط اصول حقوق بین‌الملل، حکم وجدان عمومی و ارزش‌های بنیادین بشری اداره شوند»^۱. به‌ویژه، توسعه آتی اصول و مفاهیمی مانند اصل احتیاط، توسعه پایدار، انصاف بین‌نسلی و فرانسلی، مشارکت و مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست در گرو مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری خواهد بود.

بنابر روابط پیچیده حاکم بر زیست‌کره، آثار ناشی از اقدامات بشری در زمینه تغییر اقلیم، بلافاصله ظهور نکرده و قابل تشخیص نخواهند بود. در نتیجه، تمامی اقدامات (فعل و ترک فعل) کنونی بشر، آثار خود را در آینده برجای خواهند گذاشت. به‌علت دشواری در پیش‌بینی و پیشگیری از مخاطرات زیست‌محیطی، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به‌نوعی ضامن حفاظت از محیط زیست در قبال این‌گونه مخاطرات ناشناخته است. همین طرز تلقی، بیانگر علل تمایل به استفاده از رویکرد احتیاطی در خصوص فعالیت‌هایی است که آثار و پیامدهای زیست‌محیطی‌شان ناشناخته و مبهم مانده است. مثلاً در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم، اگر فعالیتی با خطر افزایش دمای کره زمین همراه باشد، مفهوم نگرانی‌های مشترک (که در مقدمه این کنوانسیون به‌کار رفته است) وارد عمل می‌شود و اصل احتیاطی را با هدف اتخاذ اقدامات ضروری برای تضمین حفاظت از پایداری آب‌وهوا به‌کار می‌گیرد.

مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری بر هدف دستیابی به توسعه پایدار نیز تمرکز خواهد داشت. تیموشنکو نگرانی‌های مشترک بشری را «پارادایمی جامع» می‌نامد که ضمن تحکیم مذاکرات میان شمال-جنوب، شرق-غرب، از ویژگی جهانی برخوردار بوده و بیانگر وابستگی‌های متقابل زیست‌محیطی است (Timoshenko, 1991: 39). چنین برداشتی موجب خواهد شد که نگرانی‌های مشترک بشری را در اصل انصاف بین‌نسلی و فرانسلی مستتر بدانیم. این اصل دولت‌های درحال توسعه را قادر به ادامه راه توسعه، در عین وضع تمهیدات حقوقی به‌منظور حفاظت از محیط زیست؛ و دولت‌های توسعه‌یافته را ملزم به شناسایی مسئولیت‌های برخاسته از توسعه پایدار، ارائه کمک‌های مالی و انتقال فناوری به دولت‌های در حال توسعه می‌کند. در نهایت، تمرکز ملاحظاتی حقوقی بر یافتن راه‌حل‌های جهانی برای حل مشکلات زیست‌محیطی را هدف می‌گیرد (Horn, 2007: 78-80).

درحالی‌که تعهدات مشترک تابعان حقوق بین‌الملل، ضامن مشارکت تمامی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل محیط زیست است^۲، تفاوت در چنین تعهداتی است که این حقوق را به لحاظ

اصول، ر.ک: موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵-۹.

1. International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources, *Draft International Covenant on Environment and Development [Draft Covenant]* (3rd ed, 2004), Article 3.

۲. البته در قالب مفهوم توسعه پایدار، فرصت مشارکت و اقدام برای تمامی گروه‌های اجتماعی نیز پیش‌بینی شده است. دستور کار ۲۱ و اعلامیه ریو نیز بر حمایت تمامی اعضای جامعه بین‌المللی در تحقق اهداف

سیاسی قابل قبول می‌سازد (Sands, 1994: 344). در نتیجه، رابطه میان نگرانی‌های مشترک بشری و اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست به رابطه‌ای معنادار و تأثیرگذار بدل شده است. اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت ضامن رعایت تعادل منصفانه‌ای میان دولت‌ها در سطح بین‌المللی است؛ در خصوص تغییر اقلیم نیز این تفاوت در مسئولیت‌ها واضح و آشکار خواهد بود.^۱ مسئولیت مشترک مبنای اقدام مشترک بین‌المللی را فراهم می‌سازد، ولی مفهوم تفاوت است که کارآمدی این اقدامات را تضمین می‌کند (French, 2000: 35-60). باید توجه داشت که چنین هدفی تنها یک مصلحت سیاسی نیست، بلکه مقتضای انصاف و عدالت است.

این مفهوم، به‌طور گسترده‌ای نحوه تعامل میان سایر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست را نیز در حوزه مبارزه با تغییر اقلیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ارتباط سلسله‌مراتبی است که در آن، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به‌عنوان مفهومی فراگیر و غالب، بر عملکرد سایر مفاهیم مرتبط نیز تأثیرگذار است.

۲. تحقق مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در قالب قواعد ارگامنس جامعه بین‌المللی

از منظر هنجاری، منافع مشترک جامعه بین‌المللی در قالب مفاهیم حقوقی‌ای نظیر «قواعد آمره»^۲ و «تعهدات ارگامنس»^۳ در حقوق بین‌الملل پوزیتیویستی محمل یافته‌اند و دولت‌ها بنابر ملازمات حقوق بین‌الملل قادر به اقدام براساس آن هستند (Villalpando, 2010: 387).^۴

موردنظر در این اسناد تکیه دارند.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و رابطه آن با نگرانی‌های مشترک بشری ر.ک: Birnie, Patricia and Boyle, Alan, *International Law and the Environment*, Oxford University Press, 2009. Cottier, Thomas, *Equitable Principles of Maritime Boundary Delimitation in International Law: The Quest for Distributive Justice in International Law*, Cambridge University Press, 2014.

2. Jus Cogens

در خصوص قواعد آمره حقوق بین‌الملل، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، به‌رغم ارائه تعریفی از این قواعد در ماده ۵۳ خود، به‌دلیل چنددستگی میان دولت‌ها موفق به تعیین فهرست قواعد آمره حقوق بین‌الملل نشد. محاکم بین‌المللی نیز تا به حال مفهوم قواعد آمره حقوق بین‌الملل را تنها در خصوص تجاوز، شکنجه و ژنوسید به‌کار برده‌اند.

3. Obligation Erga Omnes

دیوان بین‌المللی دادگستری نخستین بار در رأی خود در قضیه بارسلونا تراکشن (۱۹۷۰)، عبارت مربوط به «تعهدات ارگامنس» را در دو پاراگراف متوالی (۳۳-۳۴) مطرح کرده است. این قواعد عام‌الشمول قواعدی هستند که با منافع حقوقی تمامی کشورها سروکار دارند:

ICJ, *Barcelona Traction, light and power company, limited*, second phase, Judgment, ICJ reports 1970, p.32, Paras 33-34.

۴. با وجود توافق دولت‌ها بر شناسایی کلی مفهوم تعهدات ارگامنس و قواعد آمره بین‌المللی، در خصوص مصادیق این تعهدات اختلاف نظر وجود دارد.

نگرانی‌های مشترک بشری را نیز می‌توان از منظر تبعیت و اجرا، موجد منافع ارگامنس تلقی کرد.^۱ به عبارت دیگر، حفاظت از محیط زیست بین‌المللی نگرانی مشترک بشری است و از این منظر، به تعهدات ارگامنسی منجر می‌شود که در سطح جهانی قابل پیگیری هستند. دینا شلتون نیز بر تعامل میان نگرانی‌های مشترک بشری و قواعد ارگامنسی که اجرای آن برای همگان دارای منفعت است، تأکید می‌کند (Shelton, 2009: 39). قاضی ویرمانتری نیز در نظر مخالف خود در قضیه گابچیکوو ناگیماروس^۲ و در قضیه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای^۳، حفاظت بین‌المللی از محیط زیست را در زمره تعهدات ارگامنس به‌شمار آورده است (براون ویس، ۱۳۸۰: ۸۶۰). در نتیجه، ماهیت ارگامنسی نگرانی‌های مشترک بشری آن را از حقوق زیست‌محیطی فرامرزی موجود متفاوت می‌سازد. این ماهیت در صدد پوشش دادن به وضعیت‌هایی است که از طبقه‌بندی سنتی مسئولیت دولت‌ها، مانند روابط دوجانبه میان کشورها، نقض یک تعهد بین‌المللی و وجود یک دولت زیان‌دیده فراتر می‌رود.^۴ صدمات وارده به یک نگرانی مشترک بشری اغلب گسترده‌اند و در خصوص آنها توسل به اصول سنتی متقابل مسئولیت دولت‌ها اگر نگوئیم غیرممکن، اما بسیار دشوار خواهد بود. از این رو آسیب‌های وارده بر مشترکات جهانی، عمل متخلفانه نسبت به جامعه بین‌المللی در کل محسوب شده و تمامی دولت‌ها، حتی دولت‌هایی که مستقیماً متضرر نشده‌اند، قادر به طرح شکایت در قبال چنین نقضی خواهند بود (Brunnee, 2012: 724).^۵

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در قرائت نخست، ذیل ماده ۱۹ و در تعریف جرائم بین‌المللی (که تا حدودی متناظر با تعریف تعهدات ارگامنس در طرح نهایی کمیسیون بود) به جرائمی که «منجر به نقض شدید یک تعهد بین‌المللی می‌گردد و به منظور حفاظت از محیط زیست بشری از اهمیت اساسی برخوردار شده است، اشاره کرد. این نقض می‌تواند شامل آلودگی عمده اتمسفر یا دریاها شود». این کمیسیون، همچنین «آلودگی شدید محیط زیست جهانی» را نیز به فهرست تعهدات ارگامنسی که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن جزء نقض‌های عمده علیه جامعه بین‌المللی به‌شمار آورده بود، اضافه کرد.

2. ICJ, *Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)* (Vice President Weeramantry, dissenting Opinion), p. 115.

3. ICJ, *Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict*, 1996 I.C.J. 66, 78, (Dissenting Opinion of Judge Weeramantry).

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:

Trindade, Antônio Augusto Cançado and Attard, David Joseph, "Report of the Proceedings of the Meeting" in D J Attard (ed), *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*, 1990.

۵. ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱) در صورت نقض تعهداتی که به جامعه بین‌المللی در کل تعلق دارند (تعهدات ارگامنس)، حق دول مستقیماً زیان‌دیده را به انجام اقداماتی به رسمیت می‌شناسد. در این زمینه دول مذکور می‌توانند مدعی توقف نقض و ارائه تضمین‌هایی جهت عدم تکرار شوند. به‌علاوه می‌توانند به نفع دولت زیان‌دیده یا ذی‌نفعان تعهد نقض‌شده خواستار جبران خسارت شوند. ر.ک:

Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, in ILC, Report of the

در چنین موقعیت‌هایی ممکن است چندین کشور از مسئولیت برخوردار باشند (Villalpando, 2010: 387). هم‌چنین در خصوص تخریب لایهٔ ازن، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی و جنگل‌زدایی که در آن زبان‌های وارده، قلمرو سرزمینی بیش از یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضوع از وجوه و پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار خواهد شد. در حقیقت، عملکرد نگرانی‌های مشترک بشری در حقوق بین‌الملل محیط زیست بر توان دولت‌ها به اتخاذ اقداماتی جهت حمایت از منافع جامعهٔ بین‌المللی دلالت دارد. تعهدات ارگامنس در لوای مفهوم نگرانی‌های مشترک امکان تعقیب چنین پرونده‌هایی را توسط تمامی دولت‌های جهان فراهم می‌سازند. اگرچه در عمل بعید است که دولت‌ها در چنین مواردی به روش‌های سنتی حل‌وفصل اختلافات متوسل شوند؛ چراکه روش‌های مذکور به‌منظور تعقیب منافع شخصی دولت‌ها نیز به‌ندرت استفاده می‌شود. به‌دلیل همین ضعف در نظام مطالبهٔ مسئولیت موجود در حقوق بین‌الملل بوده است که عمده تلاش دولت‌ها تاکنون بر پروسه‌های هنجارسازی و قاعده‌گذاری‌های بین‌المللی متمرکز شده است.

۳. تحقق مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در قالب ایفای نقش بازیگران غیردولتی

در زمینهٔ پایبندی به ارزش‌های مشترک بشری در عصر جدید، اسناد حقوقی ناظر بر تدوین قواعد، تخصیص تعهدات و تضمین ایفای آنها، چه از سوی دولت‌ها، و چه از سوی اشخاص خصوصی یا گروه‌ها از اهمیت برخوردار بوده و خواهند بود.^۱ صرف‌نظر از اسناد بین‌المللی الزام‌آور، اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی که «حقوق نرم» خوانده می‌شوند، در مقابله با مشکلات گستردهٔ جهانی از جمله تغییر اقلیم، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند. اصل شانزدهم اعلامیهٔ ریو، که نمونه‌ای از این حقوق نرم است، در تبیین مسئولیت بازیگران غیردولتی نقش مهمی دارد و بازیگرانی را که سبب آلودگی یا ورود خسارت به محیط زیست می‌شوند، در قبال تبعات اقداماتشان مسئول می‌داند. در اعلامیهٔ ریو «تلاش در جهت تقویت و ارتقا» اصل یادشده بر عهدهٔ دولت‌هاست، بدین معنا که اگر بازیگران غیردولتی سبب آلودگی محیط زیست شوند، اصل مذکور در قالب قوانین مسئولیت مدنی اعمال می‌شود.^۲

International Law Commission on the Work of Its Fifty-third Session, UN GAOR, 56th Sess., UN Doc. A/56/10 (2001).

۱. مثلاً در عرصهٔ حقوق دریاهای، در سال ۱۹۹۵ قواعد رفتاری فائو در خصوص ماهیگیری مسئولانه در کنفرانس فائو به تصویب رسید که سندی اختیاری بوده و در آن بازیگران غیردولتی نظیر نهادهای ماهیگیری، سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، چه دولتی و چه غیردولتی، و هم‌چنین کلیهٔ افراد مرتبط با فعالیت‌های ماهیگیری خطاب واقع شدند. کنوانسیون ۲۰۰۳ حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو نیز «جامعهٔ بین‌المللی» را شامل بازیگران غیردولتی می‌داند. از این طریق، بازیگران غیردولتی نیز مجاز به شرکت در پروسهٔ تصمیم‌گیری در سطح داخلی و داشتن نقش مشاوره‌ای در سطح بین‌المللی شده‌اند.

2. *Rio Declaration on Environment and Development* [Rio Declaration], UN Doc A/CONF.151/26

با هدف غلبه بر بی‌میلی دولت‌ها به طرح دعاوی زیست‌محیطی مشترک، و به‌عنوان ابزاری جایگزین، می‌توان به توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی جهت حضور در محاکم و مراجع بین‌المللی اشاره کرد (Rest, 1999: 37).^۱ برای مثال، سازمان‌های غیردولتی از امکان حضور در دیوان دادگستری جامعه اروپایی در خصوص مسائل مربوط به تفسیر حقوق ثانویه زیست‌محیطی یا اجرای مقررات و دستورالعمل‌های جامعه اروپایی برخوردارند. موافقت‌نامه همکاری‌های زیست‌محیطی آمریکای شمالی که توافقی موازی با نفتا محسوب می‌شود نیز به سازمان‌های غیردولتی و اشخاص اجازه شکایت از عدم اجرای مؤثر حقوق محیط زیست را در هر یک از سه کشور عضو اعطا می‌کند.^۲ بدیهی است دسترسی سازمان‌های غیردولتی به محاکم ملی^۳ و بین‌المللی می‌تواند ابزار مؤثری برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و توسعه حقوق بین‌الملل ناظر بر آن محسوب شود (Brown Weiss, 2002: 808-809).

به‌علاوه، به‌دلیل شباهت‌های زیاد دو نظام حقوقی حقوق بشر و حقوق محیط زیست، ساختار و رویه‌های موفق حقوق بشری به‌ویژه در خصوص قواعد شکلی (هم‌چون دسترسی مستقیم افراد و سایر بازیگران غیردولتی به نهادها و محاکم بین‌المللی)^۴ می‌تواند در قالب حق بر محیط زیست سالم به این نظام حقوقی نیز تسری یابد. به گفته قاضی ترینداد، می‌توان مفهوم نگرانی مشترک بشری را به‌عنوان پلی میان حفاظت‌های زیست‌محیطی و چارچوب‌های حقوق بشری دانست (Trindade & Attard; 1990: 13). برای مثال، در دسامبر ۲۰۰۵، دعوایی از جانب تعدادی از ساکنان مناطق قطبی کانادا و آمریکا در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر مطرح شد.^۵ در دادخواست تنظیم‌شده اعلام شده بود که حقوق بشر خواهان‌ها به‌واسطه اهمال

(1992), 31 ILM 874, (1992), Principle 16.

۱. این حقوقدان پیشنهاد می‌کند که یک محکمه بین‌المللی زیست‌محیطی تشکیل و برای سازمان‌های غیردولتی، اشخاص یا مراجع قضایی ملی قائل به جایگاهی جهت حضور در این محکمه شود.

2. *North American Agreement on Environmental Cooperation*, Sept. 8-14, 1993, U.S.-Can.-Mex., Art. 14, 32 ILM 14S0 (1993).

۳. در رویه قضایی ملی، برای مثال، در کشور نیوزلند به موجب قانون مدیریت منابع سال ۱۹۹۱ اشخاص خصوصی اجازه دارند بدون این‌که شخصاً آسیب دیده باشند، به دادگاه زیست‌محیطی نیوزلند مراجعه کنند. این افراد نمایندگان و حافظان منافع عمومی کشورشان و هم‌چنین جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌روند. در استرالیا نیز به موجب قانون ارزیابی و برنامه‌ریزی محیطی سال ۱۹۷۹، کلیه اشخاص قادر به طرح شکایت در دادگاه محیط زیست این کشورند، خواه مستقیماً زیان دیده باشند یا خیر. تجربه این مراجع نشان‌دهنده رویه موجود در جهت حمایت از منافع جمعی به‌ویژه در خصوص مقولات زیست‌محیطی است.

۴. دادگاه بین‌آمریکایی، کمیسیون بین‌آمریکایی و دادگاه اروپایی حقوق بشر سوابقی را در این خصوص از خود به یادگار گذاشته‌اند.

5. *Petition to the Inter American Commission on Human Rights Seeking Relief from Violations Resulting from Global Warming Caused by Acts and Omissions of the United States*, December 7, 2007, pp. 13-20. Available at: http://www.ciel.org/Publications/ICC_Petition_7Dec05.pdf (Last Accessed: 30 January 2018)

آمریکا در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌طور گسترده‌ای نقض شده است. در قسمتی از دادخواست آمده بود: «آثار گرمایش جهانی موجب نقض حقوق بشر ساکنان مناطق قطبی می‌شود و در این زمینه ایالات متحده آمریکا مسئول است».^۱ این نخستین بار بود که پیوند مسئله تغییر اقلیم و حقوق بشر به این صراحت مورد توجه قرار می‌گرفت. اگرچه این دادخواست در نوامبر ۲۰۰۶ رد شد، کمیسیون متعاقباً در فوریه ۲۰۰۷ مدعیان را دعوت کرد تا شواهد و مدارک خود را مبنی بر اینکه بین گرمایش جهانی و نقض حقوق بشر آنان رابطه سببیت وجود دارد ارائه کنند.^۲

از فزایی دیگر، در روند جهانی شدن، آگاهی عمومی افراد در خصوص معضلات زیست‌محیطی افزایش یافته و فناوری اطلاعاتی، سازمان‌های غیردولتی را در جمع‌آوری اطلاعات مفید زیست‌محیطی توانمندتر ساخته است؛ این امر به افزایش تأثیر و فشار این سازمان‌ها بر دولت‌ها به‌منظور پیش‌بینی مقررات مترقیانه‌ای در زمینه حفاظت از محیط زیست منجر خواهد شد. از همین رهگذر، مشارکت بازیگران غیردولتی در روند مذاکرات و کنفرانس‌های منجر به انعقاد معاهدات نیز نسبت به گذشته بیشتر و فعال‌تر شده است.

۴. تحقق مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در قالب فعالیت نهادهای بین‌المللی

به‌هم‌پیوستگی و آثار متقابل بسیاری از مشکلات و مخاطرات زیست‌محیطی، به ایجاد سازوکارهای بین‌المللی به‌منظور تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه محیط زیست منجر شده است. به همین سبب، در کنار دولت‌ها، تعداد زیادی از نهادهای جهانی در پروسه تصمیم‌گیری در قبال مسائل مشترک زیست‌محیطی مشارکت دارند. این نهادها هم در توسعه هنجاری^۳ و هم در تصمیم‌گیری در شرایط خاص مشارکت می‌کنند. نهادهای مربوطه اغلب کنفرانس اعضا در توافقاتی چندجانبه‌اند، اما در مواردی نیز آژانس‌های تخصصی نظیر بانک جهانی^۴، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و نهادهای مشترکی مانند تسهیلات محیط زیست جهانی (GEF)،^۵ در این زمینه به فعالیت می‌پردازند. سازوکار اخیر در حال حاضر تأمین مالی موضوعات زیست‌محیطی نظیر تغییر اقلیم، تنوع زیستی، لایه ازن، منابع آبی فرامرزی، آلاینده‌های پایدار جوی و فرسایش خاک را بر عهده دارد (Hey, 2009: 155).

1. *Ibid*, at 6-7.

۲. ر.ک:

Osofsky, Hari M., «Inuit Petition as a Bridge? Beyond Dialectics of Climate Change and Indigenous Peoples' Rights», *American Indian Law Review*, Vol. 31, 2007.

۳. توسعه هنجاری، ناظر بر ارتقای قواعد و استانداردهایی است که اجرای مقررات برخاسته از توافقاتی چندجانبه زیست‌محیطی را تسهیل می‌کنند.

4. The International Bank for Reconstruction and Development (IBRD) and the International Development Agency (IDA).

5. Global Environment Facility

در خصوص حفاظت از حقوق نسل‌های آینده نیز در سطح دکترین پیشنهادهایی مطرح شده است مبنی بر اینکه دفتری با هدف حفاظت از حقوق نسل‌های آینده در قالب تشکیلات سازمان ملل متحد یا کمیسیون توسعه پایدار تشکیل شده یا آمبودزمانی مستقل در این خصوص تعیین شود. یکی از راه‌های انتخاب چنین نماینده‌ای، تعیین یا تأسیس سازمان بین‌المللی، نظیر مقام بستر دریاها خواهد بود که نماینده بشریت و از جمله نسل‌های آینده باشد (جمالی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). تشکیل نهادی متشکل از سازمان‌های غیردولتی با کارکرد حفاظتی نیز از پیشنهادهاى دیگر در این خصوص است (Malhotra, 1998: 48-49).

به نظر می‌رسد با حادث شدن بحران‌های زیست‌محیطی نظیر تغییر اقلیم، پیشرفت و توسعه آتی حقوق بین‌الملل محیط زیست (در زمینه مدیریت نگرانی‌های مشترک زیست‌محیطی) می‌تواند زمینه‌ساز پیش‌بینی نهاد زیست‌محیطی بین‌المللی‌ای شود که دارای صلاحیت اتخاذ تصمیمات الزام‌آور (مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد) است (Stec, 2010: 387).

ب) مسئولیت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی دولت‌ها در رویارویی با تغییر اقلیم به‌مثابه نگرانی مشترک بشری

مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در حقوق بین‌الملل عمومی، از سویی دولت‌ها را به همکاری با یکدیگر در حل مشکلات جهانی، ملزم می‌کند؛ از سوی دیگر، فراتر از وظیفه به همکاری، به‌طور بالقوه انگیزه‌ای برای ارتقای تلاش‌های جمعی در جهت مقابله با مشکلات جهانی زیست‌محیطی به‌شمار می‌رود. هم‌چنین، این اصل می‌تواند در چارچوب حقوق بین‌الملل موجود و در غیاب همکاری‌های بین‌المللی و اقدامات مشترک، حد و مرزهای لازم را جهت اتخاذ برخی اقدامات دارای آثار فرامرزی از سوی دولت‌ها فراهم سازد. اهمیت مسئله «اقدامات جمعی»^۱ که در پروسه جهانی شدن بروز می‌یابد، اغلب از کمبود نهادهای جهانی مؤثر و مناسب جهت مدیریت منافع عمومی جهانی در قالب سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا یا نهادهایی مشابه آنها نشأت می‌گیرد (Hardin, 1968: 1243). در همین زمینه نگرانی‌های مشترک در کنار ظرفیت توانبخشی به حقوق همکاری‌های بین‌المللی، قادر به شکل دادن به خطوط فاصل و محدوده اقدامات دولت‌ها، به‌تنهایی و یا در قالب گروهی، جهت حفاظت از مقولات مشترک جهانی خواهد بود.

1. Collective Action

این اصطلاح توصیف‌کننده وضعیتی است که در آن اشخاص بسیاری از اتخاذ اقدام خاصی بهره می‌برند؛ این اقدام دارای هزینه‌های مشترکی است که هیچ‌کس به‌تنهایی قادر نیست آن را متحمل شود. انتخاب معقول، اتخاذ این اقدام به‌صورت مشترک است تا به‌نحوی هزینه‌های آن تقسیم شود. از این‌رو مسئله اقدام مشترک بین دو رویکرد آلترناتیو در نوسان است، یعنی همکاری یا قصور.

۱. تکلیف به همکاری‌های بین‌المللی

از آنجا که محیط زیست حد و مرزی نمی‌شناسد و همه دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست کره زمین مسئولیت مشترک دارند، تکلیف به همکاری‌های بین‌المللی در قبال نگرانی‌های مشترک بشری از جمله تغییر اقلیم، از اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست نشأت می‌گیرد و پیوند عمیقی با آن دارد. همکاری‌های بین‌المللی دامنه وسیعی از جمله تأمین منابع و فناوری‌های لازم، برگزاری دوره‌های آموزشی، تبادل اطلاعات، مشورت، اطلاع‌رسانی به موقع و کمک به‌هنگام موارد اضطراری زیست‌محیطی را شامل می‌شود، چراکه مقابله با مشکلات زیست‌محیطی نظیر تغییر اقلیم، خارج از توان یک یا چند دولت بوده و نیازمند همکاری بین‌المللی برای مراقبت، جلوگیری، کاهش و رفع آثار مخرب ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۱۶-۵).^۱

ضروری است همکاری‌های بین‌المللی، به‌عنوان کلیدی برای مواجهه با موضوعات مشترک جهانی، با توسل به ابزارهای بین‌المللی مناسبی تحقق یابند. در متن معاهدات زیست‌محیطی، این همکاری‌ها از اشکال گوناگونی برخوردار بوده و تعابیر گسترده‌ای از آنها قابل برداشت است (French, 2001: 35-60). هوممن از تعهد به همکاری در استفاده و حفاظت از منابع مشترک نام می‌برد. این وظایف معمولاً به شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای و جهانی، نظیر کمیسیون‌ها و دبیرخانه‌ها، منجر می‌شود که عهده‌دار جمع‌آوری، پردازش اطلاعات و وظایف نظارتی‌اند (Hohmann, 1994: 311-312).^۲

دونکان فرنچ از لزوم تصویب قوانین بین‌المللی الزام‌آوری برای همگان، در خصوص مشترکات عمومی بحث می‌کند. مفهوم قانونگذاری بین‌المللی دربردارنده توانایی و ظرفیت یک رژیم حقوقی جهت کنار گذاردن مخالفت عده‌ای از دولت‌ها به نفع اکثریت یا به‌منظور دستیابی به اهداف بین‌المللی خاصی است. مزایای این سیستم حقوقی در خصوص موضوعاتی نظیر حمایت‌های جهانی از محیط زیست آشکار است و مانع از تک‌روی، مانع‌تراشی و تضعیف تلاش‌های بین‌المللی می‌شود (French, 2009: 255-289).

۱. نظر به پیش‌بینی همکاری‌های بین‌المللی در اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور متعددی در حقوق بین‌الملل محیط زیست، به‌نظر می‌رسد مبنای حقوقی اصل همکاری بین‌المللی، عرفی است و ذکر مصادیق آن در حقوق بین‌الملل محیط زیست، ناظر بر شیوه‌ها و روش‌های اجرای این اصل است.
۲. به‌علاوه، هوممن عقیده دارد که دولت‌های توسعه‌یافته از وظایف بیشتری در این خصوص برخوردارند؛ از جمله این وظایف، انتقال اطلاعات و دسترسی فرامرزی یکسان به پرونده‌های اداری و قضایی در خصوص زیان‌دیدگان آلودگی‌های فرامرزی است. سایر وظایف از جمله تضمین حق دسترسی به محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق بشری، تعهد به انصاف بین‌نسلی و ارائه مشوق‌های مالی، هنوز به‌طور قطع مشخص نشده است. از نظر وی این تعهدات وظایف حقوقی عامی‌اند که نه تنها طرفین یک رژیم معاهداتی خاص، بلکه تمامی دولت‌ها را ملزم می‌کنند.

بی‌تردید، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری نیز شایسته اقدامات هماهنگ بین‌المللی جهت توزیع منصفانه تکلیف به حفاظت از محیط زیست، به‌جای تخصیص مسئولیت به دولتی خاص است و تمامی کشورها موظف‌اند در این زمینه مشارکت کنند.

یک نمونه اخیر از همکاری بین‌المللی، مذاکرات پاریس در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد است که بیش از ۱۵۰ تن از سران کشورها، ۲۰۰۰۰ نفر از مقامات دولتی، ۹۰۰۰ ناظر و تقریباً ۴۰۰۰ نفر از اصحاب رسانه را گرد هم آورد. توافقنامه سال ۲۰۱۵ پاریس برای اولین بار موجب شد که تمامی دولت‌ها برای انجام یک تکلیف مشترک براساس مسئولیت‌های تاریخی حاضر و آینده‌شان در کنار هم به موافقت برسند.^۱

در مقدمه این توافق بین‌المللی با اذعان به اینکه تغییر اقلیم یک نگرانی مشترک برای تمامی انبای بشر است، ضمن توجه به تعهدات دولت‌ها در زمینه احترام به حقوق بشر، حق سلامت، حقوق مردمان بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، افراد معلول و آسیب‌پذیر، هم‌چنین برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان، حق توسعه و عدالت بین‌نسلی^۲، به ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور بسیج کردن اقداماتی علیه تغییر اقلیم توسط تمامی دولت‌ها، ذی‌نفعان غیردولتی از جمله جامعه مدنی، شرکت‌های خصوصی، مؤسسات سرمایه‌گذار و سایر مقامات و جوامع محلی و مردم بومی اشاره شده است.^۳

توافق پاریس به‌منزله پایان دوره رژیم‌های الزام‌آور متمرکز بر دولت‌های توسعه‌یافته، و حرکت به سمت رویکردی غیرالزام‌آور و از پایین به بالا در قبال همکاری‌های جهانی در خصوص موضوع تغییر اقلیم است (Meinhard, 2015: 1-5).^۴ در این توافق، به‌رغم اینکه منافع چشم‌اندازها و شرایط ملی هر یک از طرفین مذاکره اعم از اقتصادهای نوظهور، جزایر کوچک، کشورهای نفت‌خیز و اقتصادهای بزرگ جهانی متفاوت بوده است، با وجود این، همکاری‌های مؤثر بین‌المللی در خصوص تغییر اقلیم در نهایت به تلاش دولت‌ها برای اتخاذ اقداماتی فراتر از حیطه منافع ملی‌شان منجر شده است.^۵

۱. هدف اصلی این توافق جهانی جلوگیری از افزایش دمای کره زمین در این قرن زیر ۲ درجه سانتی‌گراد و هم‌چنین تلاش برای محدود کردن دما به زیر ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد نسبت به سطح آن قبل از صنعتی شدن است. به نقل از دفتر طرح ملی تغییر آب‌وهوا سازمان حفاظت از محیط زیست به نشانی: <http://climate-change.ir>

۲. مقدمه توافق پاریس در خصوص تغییر اقلیم، ضمیمه تصمیمات بیست‌ویکمین کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیم مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵. (FCCC/CP/2015/L.9)

۳. پاراگراف آخر مقدمه پیش‌نویس تصمیمات بیست‌ویکمین کنفرانس اعضا کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیم، مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵. (FCCC/CP/2015/L.9)

۴. این رژیم جدید دربردارنده تلاش تمامی دولت‌ها و ملت‌ها در کاهش خسارات و آسیب‌ها، تأمین مالی، انتقال تکنولوژی و ظرفیت‌سازی است.

۵. برای مطالعه بیشتر رک:

برونداد اجلاس پاریس^۱، برخلاف پروتکل کیوتو^۲، مبتنی بر این ایده است که تعهدات خودخواسته و داوطلبانه^۳ بازیگران بین‌المللی، به نسبت تعهدات تحمیل‌شده از سوی جامعه بین‌المللی، بیشتر در معرض تحقق خواهند بود. به عبارتی، دولت‌ها می‌توانند از طریق رویکردهای مدیریتی، در مسیر اقداماتی متکی بر منافع جهانی گام بردارند. این رویکردهای مدیریتی مبتنی بر شفافیت، بیان آشکار اهداف جمعی، توجه به دانش، فرصت تعامل و نشر اطلاعات، همراه با انعطاف‌پذیری جهت رویارویی با تغییر و تحولات در شرایط خاص است.

۲. مسئولیت‌های درون‌مرزی دولت‌ها

ورای همکاری‌های بین‌المللی، مفهوم نگرانی‌های مشترک در ابتدا متضمن مسئولیت‌هایی در قلمرو داخلی دولت‌هاست. دولت‌ها باید نگرانی‌های مشترک شناسایی‌شده توسط جامعه بین‌المللی را در داخل مرزهای خود مورد توجه قرار دهند. بسته به ماهیت مسئله، هیچ کشوری نمی‌تواند در سایه اصل حاکمیت مطلق بر سرزمین خود مدعی استقلال و اختیار کامل شود (Rosenbloom, 2014: 1494). حقوق بین‌الملل از رهگذر مفهوم حاکمیت مسئولانه، دولت‌ها را ملزم به اتخاذ اقداماتی در قبال مصادیق نگرانی‌های مشترک بشری در سطح داخلی می‌کند (Cottier et al., 2014: 21). در همین خصوص، اصل ۲ اعلامیه ریو^۴ و اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم^۵ مقرر می‌دارند: «دولت‌ها به موجب منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، در خصوص بهره‌برداری از منابع، مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی (و توسعه) خود از حقوق حاکمه برخوردارند، اما موظف به تضمین این هستند که اقدامات داخل در قلمرو صلاحیت و کنترلشان سبب ایراد آسیب به محیط زیست سایر کشورها یا مکان‌هایی فراتر از مرزهای صلاحیت‌های ملی آنان نخواهد شد».

Allan, Jennifer et al., "Summary of The Paris Climate Change Conference: 29 November - 13 December 2015", *Earth Negotiations Bulletin*, Vol. 12 No. 663, December 2015.

۱. اصطلاح «برون‌داد اجلاس پاریس» به تصمیمات کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیم و توافق پاریس اطلاق می‌شود. توافق پاریس به‌عنوان ضمیمه تصمیمات کنفرانس اعضا، اما به‌عنوان یک سند الزام‌آور حقوقی جداگانه، در پاریس به تصویب رسیده است. UNFCCC, 'Adoption of the Paris Agreement. Proposal by the President', Decision 1/CP.21 ("Paris Outcome").

۲. پروتکل کیوتو مصوب ۱۹۹۷ مبتنی بر این درک بوده است که دولت‌ها در صورت اطمینان از همکاری سایرین، درصدد تحقق اهداف جمعی خواهند آمد. از این‌رو بهترین روش برای رسیدن به چنین هدفی، هم‌راستا کردن منافع شخصی آنها با منافع جمعی است.

3. Self-Imposed, Voluntary Commitments Or Managerial Approach

4. Rio Declaration on Environment and Development, A/CONF.151/26, 31 ILM 874, 1992, principle 2.

5. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm declaration), 1972, principle 21.

تلاش‌های ملی برای مقابله با گرم شدن کره زمین (مطابق ماده ۳ کنوانسیون تغییر اقلیم) نیز از همین دیدگاه نشأت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت برخلاف اصل حاکمیت مطلق، اصل نگرانی مشترک نه تنها دولت‌ها را محق، بلکه ملزم می‌کند تا تمهیداتی را در رویارویی با نگرانی‌های مشترک در چارچوب مرزهای حاکمیت و قلمرو صلاحیت خود اتخاذ کنند.

۳. مسئولیت‌های برون مرزی دولت‌ها

مفهوم نگرانی‌های مشترک به دلیل حساسیت منافع مشترکی که در پی صیانت از آنهاست، می‌تواند در مواردی که تعهد به همکاری نادیده انگاشته می‌شود، این امکان را برای دولت‌ها فراهم آورد تا در خصوص نگرانی‌های مشترکی که خارج از قلمرو صلاحیت سرزمینی آنها واقع شده است، اقداماتی را اتخاذ کنند. آنچه مهم است تعیین محدوده این صلاحیت، در پرتو تعهدات بین‌المللی موجود (نظیر مقررات سازمان تجارت جهانی) و اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل تناسب، است (Nadakavukaren, 2012: 15).

مشروعیت اقدام دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل سنتی، که از قضیه لوتوس^۱ وام گرفته شده است، دولت‌ها را تا حدی که مقررات و ممنوعیت‌های صریح بین‌المللی را نقض نکرده باشند، از آزادی عمل کامل برخوردار می‌داند. اما آثار فراسرزمینی حقوق داخلی در حقوق بین‌الملل که با شکل‌گیری خیل وسیعی از رویه قضایی در حال تحول است (Ellis, 2012: 397-414). هم‌چنین، پیامدهای حقوقی مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، دولت‌ها را ملزم می‌کند تا در مواردی که با منافع بشریت در کل سروکار دارد با حسن نیت و منطقی عمل کنند.

نگرانی‌های مشترک بشری متضمن این است که اقدامات انجام‌گرفته، و رای اصل سرزمینی بودن و فراتر از برداشت سنتی حقوق بین‌الملل پیش رود. به لحاظ مفهومی، در مواردی که آثار زیان‌باری گریبانگیر نگرانی‌های مشترک جامعه بین‌المللی می‌شود، این اصل می‌تواند اقدامات خاصی را مجاز شمارد.^۲ هرچند، ضروری است اصل نگرانی‌های مشترک به لحاظ شکل و محتوا از تناسب لازم جهت اقدام برخوردار شود و بتواند اصول و حتی قواعد دقیقی را با هدف نظام‌مند کردن همکاری‌ها یا حتی اقدامات یک‌جانبه فراهم آورد.

چنین تعهداتی رفته‌رفته در یکی از حوزه‌های مهم مرتبط با نگرانی‌های مشترک جامعه بشری،

1. *S.S. Lotus (Fr. v. Turk)*, 1927 P.C.I.J. (ser. A) No. 10 (Sept. 7).

۲. درحالی‌که نگرانی‌های مشترک بنیان و مجوزی برای اقدام فراهم می‌آورد، سؤال اصلی به این باز می‌گردد که تا چه اندازه این اصل، تعهد به اقدام را نیز به‌دنبال دارد. مسئله اختیار، اقدام را به صلاحدید دولت‌ها منوط می‌کند، درحالی‌که تعهد، اجبار و الزام به اتخاذ گام‌های ضروری را در بردارد. بدیهی است اصل نگرانی‌های مشترک به‌نحوی که متضمن تعهدات مسئولیت‌آور باشد از قوت و آثار بیشتری برخوردار است، اما در این صورت با بنیان‌ها و آموزه‌های حقوق بین‌الملل کنونی در تعارض قرار می‌گیرد.

نگرانی از تغییر اقلیم و همکاری ناگزیر بین‌المللی ۱۰۰۱

در مفهوم کلی، در حال شکل‌گیری است. اصل در حال ظهور مسئولیت حمایت^۱ از انسان‌ها در قبال نقض‌های عمده و شدید حقوق بین‌الملل، امروزه از پذیرش بسیار بالایی برخوردار شده است. این دکترین می‌تواند (و باید) به‌عنوان بخشی از مفهوم کلی نگرانی‌های مشترک محسوب شود.^۲ هرچند، اینکه تا چه حد تعهد به عمل و برخورد با نگرانی‌های مشترک خارج از مرزهای صلاحیت داخلی کشورها قابل تسری به مقولاتی جز مداخلات بشردوستانه و حمایت سریع از حیات انسان‌هاست، به بحث و بررسی عمیقی نیاز دارد (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۱۹). در حال حاضر، پاسخ قاطع به این پرسش غیرممکن و نیازمند تعیین قواعد و حوزه اقدام در آینده است. بخشی از این تحول مرهون معاهدات موجود و بخشی دیگر منوط به آینده حقوق بین‌الملل عرفی خواهد بود (Cottier et al., 2014: 20-23).

نتیجه‌گیری

تغییر اقلیم، از مهم‌ترین نگرانی‌های زیست‌محیطی است که تمامی کشورهای جهان را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد و همگان را به یاری و مشارکت در حل آثار و تبعات برخاسته از آن فرا می‌خواند. امروزه مردم در هر کشور و هر قاره‌ای آثار تغییر اقلیم را، از تغییر الگوهای آب‌وهوایی گرفته تا تغییر سطح آب دریاها و حوادث دریایی شدید، به‌گونه‌ای احساس می‌کنند. دخالت انسان در انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییر تدریجی اقلیم زمین را که به‌واسطه گذران فصول، چرخه‌ای طبیعی و ضروری قلمداد می‌شود، دچار تغییرات ناگهانی کرده است. خشکسالی، توفان‌های دریایی سهمگین مانند سونامی، بالا آمدن سطح آب دریاها، کاهش منابع آب شیرین، گرم شدن هوا، آتش‌سوزی جنگل‌ها، بیابان‌زایی و مهاجرت از این جمله آسیب‌ها هستند.

کشورها بنابر ظرفیت‌های اقتصادی، سطح توسعه‌یافتگی و هم‌چنین میزان فعالیت‌های صنعتی و زیان‌بار خویش در رابطه با پدیده تغییر اقلیم، تکالیف و مسئولیت‌هایی دارند. این مسئولیت‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور و بروز می‌یابند. با وجود این، براساس شواهد اقدامات کمی در این زمینه انجام گرفته، یا اقدامات انجام گرفته در قالب همکاری‌های بین‌المللی تا حدود زیادی به شکست انجامیده است. مهم‌ترین دلیل شکست، ریشه در مفهوم ابتدایی حاکمیت در نظام وستفالیایی دارد.

1. Responsibility to Protect

«مسئولیت حمایت»، در واقع پذیرش تعهد و وظیفه حمایت از انسان‌ها در برابر ۴ جرم نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و پاک‌سازی قومی در سه بعد «پیشگیری»، «واکنش» و «بازسازی» است. این وظیفه در وهله اول به عهده کشور حاکم و در زمان ناتوانی یا عدم تمایل این کشور برعهده جامعه بین‌الملل خواهد بود. ۲. حمایت از حقوق بنیادین، به‌ویژه حق حیات جمعیت غیرنظامی، از نگرانی‌های مشترکی است که مداخله را تجویز می‌کند.

این در حالی است که مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، به‌عنوان اصل هدایتگر حقوقی برخاسته از معاهدات و جوهره حقوق بین‌الملل محیط زیست، از ظرفیت‌های زیادی جهت پیش روی از صرف تعهد به همکاری‌های بین‌المللی (در قالب سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی) برخوردار است. این مفهوم می‌تواند مبنایی برای تعریف، قانونگذاری و ارزیابی اقدامات داخلی و بین‌المللی و ایجاد نهادهای مؤثر جدید در سطح بین‌المللی به‌شمار آید. از زاویه‌های دیگر، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به‌دلیل ابهامات موجود ساختاری، از این امکان برخوردار است که به مفهومی قوی‌تر در عرصه بین‌المللی بدل شود. شواهدی از این ظرفیت، امکان مشارکت فعالانه کلیه بازیگران بین‌المللی در حفاظت از نگرانی‌های مشترک بشری، و تبلور این مفهوم در اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست مانند اصل همکاری، احتیاط، انصاف بین‌نسلی، فرانسلی و توسعه پایدار است. تلقی این نگرانی‌ها به‌عنوان تعهدات ارگامنس جامعه بین‌المللی نیز تمامی بازیگران بین‌المللی را به همکاری و مشارکت در راستای محافظت از مشکلات زیست‌محیطی جهانی فرا می‌خواند.

در نتیجه، در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل، الزامات حقوقی برخاسته از مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، که به‌طور خاص رویارویی جامعه بین‌المللی با آثار زیان‌بار پدیده تغییر اقلیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، عبارت است از: برتری موضوعات حائز درجه نگرانی مشترک بشری بر منافع فردی دولت‌ها؛ ماهیت ارگامنسی تعهدات ناظر بر حفاظت و نگهداری از محیط زیست بین‌المللی؛ مسئولیت‌های درون و برون‌مرزی دولت‌ها؛ امکان ورود مؤثرتر سایر بازیگران بین‌المللی (از طریق استقرار یک دیوان بین‌المللی یا به‌کارگیری سایر ابزارهای ممکن در خصوص موضوعات زیست‌محیطی)، از آن روی که موضوعات مذکور برای کل بشریت از اهمیت و اعتبار برخوردارند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. پوره‌اشمی، عباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران، نشر دادگستر.

ب) مقاله

۲. براون ویس، ادیت، ترجمه: ساعد، نادر، «حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده، در پرتو رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۸۰، ۸۴۷-۸۶۸.
۳. جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «نقد نظریه تاریخی حاکمیت در پرتو مفهوم میراث مشترک

- بشر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، ۱۰۱-۱۲۸.
۴. جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «محیط زیست بین‌المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره چهارم، ۱۱۹-۱۴۹.
۵. رنجریان، امیرحسین، ارغنده‌پور، نفیسه (۱۳۹۱)، «پدیده دولت‌های در حال غرق: چاره‌اندیشی از نظرگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۹، شماره ۴۶، ۸۳-۱۲۴.
۶. موسوی، سید فضل‌الله؛ حسینی، سید حسین؛ موسوی فر، سید حسین (۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۷، شماره ۴۸، ۹-۲۵.

۲. انگلیسی

A) Books

7. Birnie, Patricia and Boyle, Alan (2009), *International Law and the Environment*, Oxford University Press.
8. Hohmann, Harald (1994), *Precautionary Legal Duties and Principles of Modern International Environmental Law*, Graham & Trotman/Martinus Nijhoff.

B) Articles

9. Brown Weiss, Edith (2002), "Invoking State Responsibility in the Twenty-First Century", *Am. J. Int'l L* (96), 798-816.
10. Brunnee, Jutta (2012), "The Global Climate Regime: Wither Common Concern?" in: Holger P. Hestermeyer et.al (eds.) *Coexistence, Cooperation and Solidarity*, Liber Amicorum for Rüdiger Wolfrum, Volume I, Martinus Nijhoff, 721-736.
11. Cottier, Thomas; Aerni, Philipp; Karapinar, Baris; Matteotti, Sofya; de Sèpibus, Joëlle and Shingal, Anirudh (2014), "The Principle of Common Concern and Climate Change", *NCCR Trade Working Paper No 2014/18*, 1-25.
12. Ellis, Jaye (2012), "Extraterritorial Exercise of Jurisdiction for Environmental Protection: Addressing Fairness Concerns", *Leiden Journal of International Law* 25, 397-414.
13. French, Duncan (2001), "A Reappraisal of Sovereignty in the Light of Global Environmental Concerns", *Legal Studies* 21, 376-399.
14. Hardin, Garrett (1968), "the Tragedy of the Commons", *Science* 162, 1243-1248.
15. Horn, Laura (2007), "Globalization, Sustainable Development and the Common Concern of Humankind", *Macquarie Law Journal*, Vol 7, 53-80.
16. Hey, Ellen (2009), "Common Interests and the (Re)constitution of Public Space", *Environmental Policy and Law* 39/3, 152-159.
17. Kiss, Alexandre (2003), "Economic Globalization and the Common Concern of Humanity" in Alexandre Kiss, Dinah Shelton, and Kanami Ishibashi (eds), *Economic Globalization and Compliance with International Environmental*

Agreements, Kluwer Law International, 3-11.

18. Malhotra, Ajai (1998), "A Commentary on the Status of Future generations as a Subject of International Law" in E Agius et al, *Future Generations and International Law*, Routledge, 39-44.
19. Meinhard, Doelle (2015), "The Paris Agreement: Historic Breakthrough or High Stakes Experiment", available at: <http://ssrn.com/abstract=2708148>
20. Nadakavukaren, Krista and Cottier, Thomas (2012), "Responsibility to Protect (R2P) and the Emerging Principle of Common Concern", *NCCR Working Paper*, 1-18.
21. Rest, Alfred (1999), "Enhanced Implementation of the Biological Diversity Convention by Judicial Control", *Environmental Policy and Law* 29(1), 32-42.
22. Rosenbloom, Jonathan (2014), "Local Governments and Global Commons", *Brigham Young University Law Review (Issue 6)*, 1489-1542.
23. Sands, Philippe (1994), "International Law in the Field of Sustainable Development", *the British Yearbook of International Law* 65, 303, 341.
24. Shelton, Dinah (2009), "Common Concern of Humanity", *Iustum Aequum Salutare*, V.1, 33-40.
25. Stec, Stephen (2010), "Humanitarian Limits to Sovereignty: Common Concern and Common Heritage Approaches to Natural Resources and Environment", *International Community Law Review* 12, 361-389.
26. Timoshenko, Alexandre (1991), "International Legal and Institutional Framework for Global Climate Change" in Toru Iwama (ed), *Policies and Laws on Global Warming: International and Comparative Analysis*, 24-39.
27. Trindade, Antônio Augusto Cançado and Attard, David Joseph (1990), "Report of the Proceedings of the Meeting" in D J Attard (ed), *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*, 19-47.
28. Villalpando, Santiago (2010), "the legal dimension of the international community: how community interests are protected in international law", *The European Journal of International Law*, Vol.21, no. 2, 387-419.

C) Documents and Cases

29. International Court of Justice, *Barcelona Traction, light and power company*, (Belgium v. Spain), second phase, Judgment, ICJ reports (1970).
30. International Court of Justice, *Gabčíkovo-Nagymaros Project* (Hungary v. Slovakia), Judgment, ICJ Rep. 7 (1997).
31. International Court of Justice, *Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict*, Advisory opinion, ICJ Rep. 66 (1996).
32. International Law Commission, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-third Session, UN GAOR, 56th Sess., UN Doc. A/56/10 (2001).
33. International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources, *Draft International Covenant on Environment and Development* (2004).

نگرانی از تغییر اقلیم و همکاری ناگزیر بین‌المللی ۱۰۰۵

34. *Paris Agreement*, twenty-first session of the Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, C.N.63.2016.TREATIES-XXVII.7.d, (12 December 2015).
35. Permanent Court of International Justice, *S.S. Lotus* (Fr. v. Turk), (ser. A) No. 10 (Sept. 7 1927).
36. *Report of the United Nations Conference on the Human Environment* (Stockholm declaration), UN Doc E/73/II.A/14 (1972), 11 ILM 1416, 1419 (1972).
37. UN Doc A/Res/43/53 (1988).
38. *United Nations Convention on Biological Diversity*, in 31 I.L.M. 818, 822, (5 June 1992).
39. *United Nations Framework Convention on Climate Change*, 31 I.L.M. 849, 851 (9 May 1992).